ساخت و روایی آزمایی پرسشنامه سبکهای فرزندپروری آموزشی بر پایه تئوری انتخاب گلاسر

سمیه آزاد[1]
دکتر مهناز اخوان‌تفتی[2]
دکتر مریم محسن‌پور[3]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت و روایی آزمایی پرسشنامه‌ای به‌منظور سنجش سبک فرزندپروری آموزشی والدین بر پایهٔ تئوری انتخاب گلاسر انجام شده است. روش پژوهش کمّی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل همهٔ والدین دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود و نمونه آماری این پژوهش ۳۶۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا با مطالعه منابع مرتبط با تئوری انتخاب ویلیام گلاسر(۱۹۹۸)، عاملهای سبکهای فرزندپروری برپایه این تئوری استخراج شدند، سپس ۸۷ گویه قابل‌مشاهده و اندازه‌گیری برای این عاملها تعریف شدند. پس از بررسی روایی صوری و روایی محتوایی لاوشه، گویه‌های نامناسب حذف شدند. در نهایت ۴۶ گویه باقی ماند که وارد بخش روایی سازه شد. در این بخش پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی ۴۰ گویه برای ابزار سنجش سبکهای یادشده باقی ماند. این پرسشنامه دارای دو خرده‌مقیاس سبک سازنده و سبک مخرب است که ۲۱ گویه ابتدایی سبک سازنده و ۱۹ گویه بعد سبک مخرب فرزندپروری را می‌سنجد. پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده است (سبک سازنده ۰/۸۹، سبک مخرب ۰/۸۷ و پایایی کل ۰/۸۱). با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک فرزندپروری سازنده مبتنی بر تئوری انتخاب گلاسر در مقایسه با سبک مخرب می‌تواند الگوی آموزشی مناسبی برای رشد و پرورش کودکان باشد.

کلیدواژگان: سبک فرزندپروری، تئوری انتخاب، روایی آزمایی پرسشنامه

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۳

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول) s.azad@alzahra.ac.ir
۲. استاد گروه روان شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران makhavan@alzahra.ac.ir
۳. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران m.mohsenpour@alzahra.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

مقدمه

سبکهای فرزندپروری والدین، نقش بسیار مهمی در تعیین شخصیت آینده فرزندان دارد (شکوهی‌یکتا، پرند و فقیهی، ۱۳۸۵). رابطهٔ میان کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به‌مثابه نظام یا شبکه‌ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگرند. این نظام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق سبکها و روشهای مختلف فرزندپروری در کودکان تأثیر می‌گذارد. اکثر روانشناسان همچون بالبی[1] (۱۹۶۹)، فروید (۱۹۶۴) و مایز و پتیت[2] (۱۹۹۷)، صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنشهای متقابل میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (به نقل از شفیع‌پور، شیخی، میرزایی و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۴). از سبکهای فرزندپروری تعاریف متنوعی وجود دارد. برای مثال بالبی(۲۰۰۸) سبکهای فرزندپروری را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه‌ای از رفتارها که تعیین‌کنندهٔ ارتباطات متقابل والد- فرزند در موقعیتهای متفاوت و گسترده است و این‌گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌شود» (بالبی، ۲۰۰۸).

در دهه‌های اخیر، پژوهشهای بسیاری در مورد اثرات شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد کودک انجام گرفته است (رید، وبستر-استراتون و بایدر[3]، ۲۰۰۴). بیشتر پژوهشهای پیشین نشان می‌دهند که کودکان والدین مقتدر بدون توجه به سن، عملکرد بهتری در مدرسه داشته، مشکلات کمتری دارند و سازگاری عاطفی بهتری نسبت به سایر کودکان نشان می‌دهند (شفیع‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). اگرچه پژوهشهای گذشته نشان می‌دهند که کودکان از داشتن والدین مقتدر بیشترین سود را می‌برند، اما اکثر این پژوهشها روی مادران متمرکز بوده‌اند. پژوهشگران، بیشتر سبک فرزندپروری مادر را ارزیابی کرده و این‌گونه تصور می‌کنند که پدران نیز از همان سبک پیروی کرده‌اند (همتی‌علمدارلو و همکاران، ۱۳۹۳). اما متأسفانه اطلاعات ناچیزی در مورد صحت این تصور در دست است و این در حالتی است که برخی محققین معتقدند ترکیبهای متفاوت شیوهٔ فرزندپروری پدرانه یا مادرانه با سازگاری و سلامت نوجوانان ارتباط دارد (مرادیان، ۱۳۹۳). البته برخی پژوهشها سبک فرزندپروری پدر و مادر را با هم ارزیابی کرده‌اند اما تنها خانواده‌هایی را وارد مطالعه کرده‌اند که پدر و مادر سبکهایی مشابه در فرزندپروری داشته‌اند (لومانوسکا، بووا، هرتزمن و فلمینگ[4]، ۲۰۱۷). به‌طور کلی، باید گفت که اطلاعات چندانی در راستای تأیید تشابه سبکهای فرزندپروری پدر و مادر در دست نیست و انتظار می‌رود که آنها اغلب روشهای متفاوت سرپرستی

1. Bowlby
2. Mize & Pettit
3. Reid, Webster-Stratton, & Baydar
4. Lomanowska, Boivin, Hertzman & Fleming

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

را در پیش‌گرفته باشند. برای مثال، بامریند (۱۹۹۱) به سه سبک فرزندپروری مستبدانه (شامل قوانین اجباری و سخت و سطوح پایین پذیرش)، مقتدرانه (ترکیبی از کنترل، حمایت و علاقه‌مندی منطقی) و سهل‌گیرانه (سطوح پایین کنترل) اشاره کرده است. همچنین مک‌کوبی و مارتین[1] (۱۹۸۳)، مطالعات بامریند را با افزودن پذیرش والدینی به‌منزلهٔ بعد دوم، توسعه بخشیده و با استفاده از دو بعد کنترل (سختگیری) و پذیرش، سبک‌شناسی چهارگانه ای را برای سبکهای والدینی شکل داده‌اند (به نقل از پینکوئارت[2]، ۲۰۱۶). سبک فرزندپروری والدین از این نظر مهم است که خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است که افراد بشر در آن با شیوه‌های زندگی جمعی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می‌شوند. خانواده مناسب‌ترین بستر فعلیت یافتن قابلیتها و استعدادها و تواناییهای انسانی است و بخش عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران و واکنشهای عاطفی در آن شکل می‌گیرد (نوابخش و فتحی، ۱۳۹۰). با توجه به پژوهشهای انجام شده به اهمیت سبکهای تربیتی والدین پی می‌بریم، اما با این وجود در این پژوهشها با فقدان سبکهای تربیتی والدین با محوریت مسائل آموزشی مواجه می‌شویم. عمده سبکهای فرزندپروری والدین بر بعد تربیتی متمرکز بوده است و نه بعد آموزشی (ترکش‌دوز و فرخزاد، ۱۳۹۶).

یکی از نظریاتی که هم به خوبی به ارتباط میان والدین و فرزندان پرداخته و هم مسائل آموزشی فرزندان را مورد توجه قرار داده است، تئوری انتخاب گلاسر[3] (۱۹۹۸) است. پژوهشها نشان می‌دهند که تئوری انتخاب گلاسر می‌تواند به مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی فرزندان (صاحبی، زالی‌زاده و زالی‌زاده، ۱۳۹۴) و همچنین بهبود راهبردهای شناختی یادگیری دانش‌آموزان منجر شود (علیزاده و مه‌پویا، ۱۳۹۶). گلاسر (۱۹۹۸) معتقد است بسیاری از دانش‌آموزان از مدرسه که اخراج می‌شوند، وارد نوعی زندگی می‌شوند که در آن خشونت، بزهکاری، زندان، مصرف مواد مخدر، روابط جنسی بدون عشق و لذتهای کاذب در انتظارشان است. برای پیشگیری لازم است، مدارس کیفی بیشتری داشته باشیم. یعنی طبق نظر تئوری انتخاب، مهارتهایی را به دانش‌آموزان بیاموزیم که برای موفقیت در فرهنگ خود به آن نیاز دارند (کرپس[4]، ۲۰۱۸). یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت، پرورش عشق به یادگیری برای تمام عمر است، نه کشتن آن (جارویس[5]، ۲۰۰۴).

1. McCubi & Martin
2. Pinquart
3. Glasser
4. Kreps
5. Jarvis

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

تحمیل درس سبب می‌شود تکالیف درسی و معلمان از دنیای مطلوب دانش‌آموزان بیرون رفته، ترک تحصیل کنند و تنبیه شوند و این شکست تحصیلی می‌تواند زمینه‌ساز خشونت، مصرف مواد مخدر و روابط جنسی بدون عشق شود (مرادیان‌مینا، ۱۳۹۳). دانش‌آموزان دلسرد، از حدود دوم ابتدایی تکالیف و معلمان را از دنیای مطلوب خود خارج می‌کنند، در منزل حمایت نمی‌شوند و مهر و محبت و توجه دریافت نمی‌کنند. اگر قرار است موفق شوند باید اینها را در مدرسه دریافت کنند. اگر معلمان با آنها حرف بزنند و به آنها گوش بدهند تأثیر بیشتری دارد. ابتدا یادگیری دانش و انجام دادن محاسبه را دوست دارند، اما کم‌کم که درس با نمره و خطر رد شدن و تنبیه همراه می‌شود، دلسرد می‌شوند. این دانش‌آموزان در برابر تحمیل، مقاومت نشان می‌دهند و بی‌نظمی می‌کنند. اینها به محبت و شکیبایی بیشتر، به توجه و تشویق و کمک در انجام دادن تکالیف آسان و در اصل ایجاد رابطه رضایت‌بخش نیاز دارند. معلمان خوب از والدین می‌خواهند که برای فرزندانشان مطلب بخوانند، با آنها بازی کنند و به آنها توجه کنند. آنان والدین را به سبب مشکلات درسی فرزندان سرزنش نمی‌کنند، زیرا سرزنش سبب می‌شود که آنها فرزندان خود را تنبیه و به انجام دادن تکالیف مجبور کنند و این سبب دلسردی دانش‌آموزان می‌شود. در مقاطع بالاتر تحصیلی توجه فردی کمتر می‌شود و تغییر و دلسردی نیز بیشتر رخ می‌دهد (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۴).

نمونه‌هایی از فرزندپروری بر اساس تئوری انتخاب مربوط به دوران تحصیل و مسائل آموزشی فرزندان

گلاسر (۱۹۹۹) درباره فرزندی که نمی‌خواهد سر وقت به رختخواب برود و فردا صبح باید به مدرسه برود، توصیه می‌کند والدین تا زمانی که فرزندشان مزاحم دیگران نیست او را آزاد بگذارند و به او بگویند در صورت ایجاد مزاحمت برای کسی مجبور است که به رختخواب برود و او چون می‌داند که با مزاحمت برای دیگران چیزی را از دست خواهد داد، معمولاً مزاحم کسی نمی‌شود. همچنین والدین به او تذکر دهند که صبح برای مدرسه بیدارش می‌کنند، حتی اگر خسته باشد، باید به مدرسه برود. در ادامه گلاسر می‌گوید: نگران چرت زدنش در مدرسه نباشید، چون مانع رفتن او به دانشگاه نمی‌شود (صاحبی،۱۳۹۷).

گلاسر (۱۹۹۹) بیان می‌کند که فرض کنید دختر هشت سالهٔ شما نمی‌خواهد به مدرسه برود و وقتی مجبورش می‌کنید که حتماً به مدرسه برود رفتارهای هیستریک از خود بروز می‌دهد. از بروز مشکل مدرسه رفتن او بسیار متعجب شده‌اید. اکنون که در حال یادگیری فرزندپروری بر اساس

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

تئوری انتخاب هستید، اگر چنین موردی پیش آمد، به او بگویید که موضوع مدرسه رفتن انتخابی نیست. تمام بچه‌های همسن و سال تو به مدرسه می‌روند. این موضوع را با مهربانی و با زبان محبت‌آمیز بیان کنید (صاحبی،۱۳۹۷).

از نظر گلاسر (۱۹۹۹) هنگامی‌که کودکانتان بسیار کم سن و سال بودند، شما با مدیریت خوب خود به آنها اجازه دادید بر زمان خواب، نوع لباس و غذا کنترل داشته باشند و کمی بعد به آنها نشان دادید که در اموری که برای شما بسیار مهم اند مثل مدرسه‌رفتن، سلامتی و ایمنی آنها، حاضر به مذاکره نیستید، ولی وقتی که به آنها آزادی در تصمیم‌گیری دربارهٔ چیزهایی را می‌دهید که اکثر بچه‌ها در آن باره آزادی ندارند، در واقع در حال آموزش دادن مذاکره به آنها هستید، چون در حدود سیزده سالگی بسیاری از خواسته‌های آنان قابل مذاکره‌اند. در این سن و سال شما بیش از هر زمان دیگر باید در دنیای مطلوب آنها جایگاهی استوار داشته باشید. فرزندانتان در ساعاتی که نمی‌توانید محدودشان کنید – مثل قبل و بعد از مدرسه – می‌توانند مشکلات زیادی برای خود بیافرینند. اگر زن و شوهری یک دایره حل مسئله برای خود ترسیم کرده و آن را به حوزه والدین – فرزندان هم توسعه داده باشند، طبیعی است که بعداً می‌توانند از آن به‌عنوان دایره حل مسائل خانواده استفاده کنند (صاحبی،۱۳۹۷).

در اهمیت و ضرورت تدوین پرسشنامهٔ جدید برای سبکهای فرزندپروری می‌توان بیان کرد که بیشترین طراحی را که در تحقیقات روان‌شناسی هم‌اکنون قابل مشاهده است، طرح سبکهایی است که دیانا بامریند(۱۹۷۳) مطرح کرده است(به نقل از بالبی،۲۰۰۸) و پژوهشهای معاصر در سبکهای فرزندپروری از مطالعات بامریند در مورد کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است(پرچم، فاتحی‌زاده و الهیاری، ۱۳۹۱). پرسشنامه بامریند(۱۹۷۳) که در پژوهشها مورد استفاده قرار گرفته، مربوط به حدود سال ۱۹۷۳ است (ساعتچی، کامکاری و عسکریان، ۱۳۸۹) و با گذشت سالهای بسیار از تدوین پرسشنامه مذکور، تغییرات بسیاری در زندگی بشر در حوزه‌های فرهنگ و فناوری و ... رخ داده است، پس به نظر می‌رسد ساخت پرسشنامه ای جدید از سبکهای فرزندپروری متناسب با شرایط جامعه امروزی لازم است. از آنجایی که از ترجمه پرسشنامه بامریند در ایران استفاده می‌شود، ضروری است که در این زمینه پرسشنامه‌ای به زبان فارسی و بر اساس زبان و فرهنگ رسمی کشورمان ساخته شود . از طرفی هم پژوهشگر سعی کرده است در این پژوهش از نظریه انتخاب استفاده کند که به نظر وی برای فرزندپروری امروزی مناسب‌تر و جدیدتر است. تئوری انتخاب گلاسر (۱۹۹۸) از زمان تدوین تاکنون به صورت پیوسته در حال تکامل و گسترش

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

است و مؤسسه بین‌المللی ویلیام گلاسر هم‌اکنون به صورت گسترده در کشورهای گوناگون و همین‌طور در ایران فعالیت دارد و این تئوری روزبه‌روز در دنیا بیشتر به کار می‌رود. در نظریه انتخاب به‌طور مستقیم سبکهای فرزندپروری مطرح نشده بلکه برقراری ارتباط مناسب میان والدین و فرزندان به خوبی طرح شده است و عادات مخرب و مهرورزانه در زمینهٔ ارتباط والدین با فرزندان بیان شده است. پژوهشگر سعی کرده است این عادات را به دو دسته سبکهای فرزندپروری مخرب و سازنده نام‌گذاری کند و بر اساس این دو دسته پرسشنامه‌ای را ساخته و روایی آزمایی کرده است. گلاسر (۱۹۹۹) بیان می‌کند که والدین معتقد به تئوری انتخاب از سه سالگی به فرزندان خود می‌آموزند که مسئولیت انتخابهای خود را به عهده بگیرند (صاحبی،۱۳۹۷)، بر این اساس از آنجایی که مبنای پژوهش حاضر تئوری انتخاب گلاسر (۱۹۹۸) است و این تئوری قابل اجرا از حدود ۳ سالگی برای فرزندان است، بنابراین محدوده سنی فرزندان مطرح شده در این پژوهش بر مبنای تئوری انتخاب لحاظ شده است. همچنین از آنجا که هدف پژوهش حاضر بازه سنی دوران تحصیلی فرزندان بوده، از این رو بازه سنی جامعه مورد پژوهش دوران تحصیل فرزندان یعنی ۷ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. این ویژگی به نظر پژوهشگر پرسشنامه را به صورت سنجش سبکهای فرزندپروری آموزشی درمی‌آورد. با توجه به تأثیر سبک تربیت والدین در شکل‌گیری و شکوفایی ویژگیهای فردی، آگاهی از سبک تربیتی والدین می‌تواند تصویری روشن از نحوه برخورد والدین با فرزندان در اختیار قراردهد، تا از این طریق والدین وضعیت موجود سبک تربیتی خود را تعیین و در راستای بهبود نقاط ضعف در سبک تربیتی گام بردارند. از این رو این پرسشنامه می‌تواند برای متخصصان، معلمان، مشاوران و والدین در طول دوران تحصیل دانش‌آموزان مفید باشد.

پرسشهای پژوهش

۱. مؤلفه‌های سبک فرزندپروری آموزشی طبق نظریه انتخاب گلاسر(۱۹۹۸) چیست؟

۲. ویژگیهای فنی ابزار سنجش مؤلفه‌های سبک فرزندپروری آموزشی گلاسر چگونه است؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای است و از نظر روش همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همهٔ والدین دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود. گلاسر (۱۹۹۹) بیان می‌کند که والدین معتقد به تئوری انتخاب از سه سالگی به فرزندان خود می‌آموزند که مسئولیت انتخابهای خود را به عهده بگیرند (صاحبی،۱۳۹۷).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

بر این اساس از آنجایی که مبنای پژوهش حاضر تئوری انتخاب گلاسر است و این تئوری قابل اجرا از حدود ۳ سالگی برای فرزندان است، بنابراین محدوده سنی فرزندان مطرح‌شده در این پژوهش بر مبنای تئوری انتخاب لحاظ شده است. همچنین از آنجایی که هدف پژوهش حاضر بازه سنی دوران تحصیلی فرزندان بود، از این رو بازه سنی جامعه مورد پژوهش دوران تحصیل فرزندان یعنی ۷ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شده است.

با توجه به اینکه برای بررسی روایی سازه در پرسشنامه فرزندپروری گلاسر از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده، یک پرسش بسیار مهم در تحلیل عاملی و مدل‌یابی معادلات ساختاری تعیین حداقل حجم نمونه است. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدلهای ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونهٔ لازم ۲۰۰ نمونه است (حبیبی و عدنور،۱۳۹۶). به عقیده کلاین[1] (۲۰۱۱) در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر مشاهده‌پذیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است (حبیبی و عدنور،۱۳۹۶) و به نظر شا[2] و گلدستاین[3] (۲۰۰۶) در تحلیل عاملی تأییدی به‌طور کلی حداقل ۲۰۰ نمونه لازم است (حبیبی و عدنور،۱۳۹۶؛ هومن، ۱۳۸۴) و مک‌کالم[4]، ویدامن[5]، ژانگ[6] و هانگ[7](۱۹۹۹) نشان دادند که ۱۰۰ الی ۲۰۰ نمونه برای تحلیل عاملی قابل قبول است(تاباچنیک[8] و فیدل[9]، ۲۰۱۲).

در این پژوهش حجم نمونه ۳۶۰ نفر از جامعه موردنظر بود. در بخش تحلیل عاملی اکتشافی تعداد عاملها (متغیر پنهان) ۲ عامل و تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر برای مجموع عاملها ۱۴ متغیر بود که برای این بخش ۱۶۰ نفر از نمونه‌ها شرکت داده شدند و در بخش تحلیل عاملی تأییدی ۲۰۰ نفر شرکت داده شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود.

ابتدا به روش تصادفی از میان مدارس منطقه ۶ شهر تهران ۳ مدرسه انتخاب شد. از میان کلاسهای هر مدرسه، ۴ کلاس به روش تصادفی انتخاب شد. پس از آن با توجه به تمایل والدین، پرسشنامه به دو فرم الکترونیکی یا کاغذی در اختیارشان قرار گرفت و پس از گردآوری پاسخنامه‌ها و ورود اطلاعاتِ فرم‌های کاغذی در فرمهای الکترونیکی و حذف پاسخنامه‌های ناقص

1. Kline
2. Sha
3. Goldstein
4. MacCallum
5. Widaman
6. Zhang
7. Hong
8. Tabachnick
9. Fidell

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

تعداد ۳۶۰ پاسخنامه باقی ماند که این پاسخنامه‌ها تحلیل شدند. از این تعداد، ۳۰۳ نفر را مادران و ۵۷ نفر را پدران تشکیل می‌دادند که به ترتیب ۸۴٪ و ۱۶٪ درصد از کل شرکت‌کنندگان پژوهش را تشکیل می‌دادند.

در مرحله اول با بررسی مبانی نظری تئوری انتخاب و پژوهشهای مربوط به آن، به طراحی پرسشنامه بر اساس عاملهای این نظریه اقدام شد. با توجه به اینکه در تئوری انتخاب گلاسر هفت عادت مخرب و هفت عادت مهرورزانه بیان شده است، ابتدا تعریف هفت عادت مخرب و هفت عادت سازنده (مهرورزانه) در رویکرد تئوری انتخاب با مطالعه دقیق کتابهای ویلیام گلاسر از جمله «درآمدی بر روانشناسی امید تئوری انتخاب» (ترجمه صاحبی، ۱۳۹۷)، «هر دانش‌آموزی می‌تواند موفق شود» (ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۶)، «مدرسه کیفی» (ترجمه شریعتمدار، ۱۳۹۱)، «مدارس بدون شکست» (ترجمه حمزه و حمزه تبریزی،۱۳۸۲) و کتاب «با من این‌گونه سخن بگویید: زبان نظریه انتخاب» (ترجمه صاحبی، ۱۳۹۰) و مطالعه مقالات مرتبط با این تئوری همانند پژوهش محمدی و پیرخائفی(۱۳۹۳) استخراج شد. برای عملیاتی کردن این چهارده عامل یعنی هفت عامل مربوط به عادات مخرب شامل انتقاد، سرزنش‌کردن، گله و شکایت، غرغر و نق، تهدید، تنبیه و کنترل از راه تطمیع و جایزه دادن و هفت عامل مربوط به عادات سازنده شامل توجه، اعتماد، احترام، گوش دادن، تشویق، حمایت و گفتگوی دائمی بر سر حل اختلافات، گویه‌های قابل مشاهده و قابل‌اندازه‌گیری که ۸۷ گویه خام بود، از این مطالعات بیرون کشیده شدند که در این زمینه برای جمله‌بندی صحیح گویه‌ها از سوژه‌های بیان شده در کتاب «درآمدی بر روانشناسی امید تئوری انتخاب» (ترجمه صاحبی، ۱۳۹۷) بخش خانواده شما و اعتماد، همین‌طور کتاب «با من این‌گونه سخن بگویید: زبان نظریه انتخاب» (ترجمه صاحبی، ۱۳۹۰) بیشتر استفاده شده است. پس از این مرحله برای مجموع ۸۷ گویه استخراج‌شده پیشنهادی، جلسه‌ای با استاد راهنما برای بررسی دقیق‌تر هر جمله برگزار شد و به‌دقت جمله‌ها بررسی و اصلاح مجدد انجام شد، سپس در اختیار ۲۰ تن از دانشجویان در دسترسِ متاهلِ دارای فرزند ۷ تا ۱۸ سال در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) قرار گرفت تا نظر خود را دربارهٔ مفهوم ظاهری گویه‌ها (روایی صوری) بیان کنند. پس از اعمال اصلاحات لازم، روایی محتوایی بررسی شد. در این مورد ۱۴ نفر از اعضای هیأت علمی گروه مشاوره و راهنمایی، گروه روانشناسی و گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا(س) نسخه اولیه پرسشنامه (شامل ۸۷گویه) را که در دو حوزه عادات مخرب و سازنده بود مورد تحلیل قرار دادند و میزان تناسب هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرت

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

سه‌بخشی «گویه مناسب است» ،«گویه ضروری نیست»، «گویه نامناسب است» ارزیابی کردند و پس از آن از طریق روش لاوشه[1] روایی محتوایی گویه‌های پرسشنامه به دست آمد. نمونه‌هایی از در بخش عادات مخرب از این قرار بودند: «اگر فرزندم به تقاضای من عمل نکند، از او ایراد می‌گیرم.»، «فرزندم را بابت اینکه مانند همسالانش قادر نیست از عهده وظایفش برآید سرزنش می‌کنم»، «به‌طور مرتب از عملکرد تحصیلی فرزندم گلایه می‌کنم»، «دائم به فرزندم می‌گویم که حرف مرا گوش نمی‌کند»، «هنگام مشاجره با فرزندم، او را تهدید به محرومیت از بعضی امکاناتش می‌کنم»، «بی‌احترامی فرزندم را با بی‌احترامی جبران می‌کنم»، «در مواقعی که از فرزندم خواسته‌ای دارم، به او بیشتر توجه می‌کنم» و نمونه‌هایی از گویه‌ها در بخش عادات سازنده از این قرار بودند: «وقتی فرزندم در کاری شکست می‌خورد، سعی می‌کنم او را آرام کنم»، «سعی می‌کنم کوچک‌ترین رفتارهای مثبت فرزندم را تحسین کنم»، «وقتی فرزندم با من صحبت می‌کند از تماشای تلویزیون یا تلفن همراه و .... دست می‌کشم»، «فرزندم می‌تواند اتاق خود را به سلیقه خود بیاراید»، «وقتی فرزندم با دوستانش بیرون می‌رود دائم به او زنگ نمی‌زنم»، «مشکلات باعث نمی‌شوند که به فرزندم توهین کنم»، «یکی از برنامه‌های طبیعی خانه ما گفتگوهای دوستانه خانوادگی است».

جدول ۱ و ۲ به ترتیب گویه‌های مربوط به متغیرهای مشاهده‌پذیر در سبک سازنده و سبک مخرب گلاسر را پس از اعمال روایی محتوایی و حذف گویه‌هایی که ضریب CVR آنها کمتر از ۰/۵۱ بود، نشان می‌دهند. از آنجا که تعداد مصححان ۱۴ نفر بودند و با توجه به جدول لاوشه، گویه‌های با ضریب کمتر از ۰/۵۱حذف شدند.

جدول ۱: روایی محتوایی لاوشه متغیرهای مشاهده شده سبک سازنده

ردیف	متغیرهای مشاهده‌پذیر در سبک سازنده	شماره گویه	ضریب CVR
۱	حمایت کردن[2]	۱	۱
		۲	۱
		۳	۰,۸۶
۲	دلگرمی دادن[3]	۴	۰,۸۶
		۵	۰,۸۶
		۶	۰,۷۱
		۷	۰,۷۱

1. Lawshe
2. Supporting
3. Encouraging

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۳	گوش دادن[1]	۸	۰٫۸۶
		۹	۰٫۸۶
۴	پذیرفتن[2]	۱۰	۰٫۷۱
		۱۱	۰٫۸۶
		۱۲	۰٫۷۱
		۱۳	۱
۵	اعتماد کردن[3]	۱۴	۰٫۸۶
		۱۵	۰٫۸۶
۶	احترام گذاشتن[4]	۱۶	۰٫۷۱
		۱۷	۱
		۱۸	۰٫۸۶
۷	گفتگوکردن[5]	۱۹	۱
		۲۰	۱
		۲۱	۱
		۲۲	۰٫۸۶
		۲۳	۰٫۸۶

جدول۲: روایی محتوایی لاوشه متغیرهای مشاهده شده سبک مخرب

ردیف	متغیرهای مشاهده‌پذیر در سبک مخرب	شماره گویه	ضریب CVR
۱	انتقاد کردن[6]	۲۴	۰۸۶
		۲۵	۰٫۸۶
		۲۶	۰٫۷۱
		۲۷	۰٫۷۱
۲	سرزنش کردن[7]	۲۸	۰٫۵۷
		۲۹	۰٫۷۱
۳	شکایت و گلایه کردن[8]	۳۰	۰٫۵۷
		۳۱	۰٫۵۷
		۳۲	۰٫۵۷

1. Listening
2. Accepting
3. Trusting
4. Respecting
5. Negotiating
6. Criticizing
7. Blaming
8. Complaining

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۴	غر و نق زدن[1]	۳۳	۰,۷۱
		۳۴	۰,۷۱
		۳۵	۰,۷۱
۵	تهدیدکردن[2]	۳۶	۰,۸۶
		۳۷	۰,۸۶
		۳۸	۰,۷۱
۶	تنبیه کردن[3]	۳۹	۰,۸۶
		۴۰	۱
		۴۱	۰,۷۱
		۴۲	۰,۷۱
		۴۳	۰,۷۱
۷	مهارکردن از راه تطمیع یا جایزه دادن[4]	۴۴	۰,۷۱
		۴۵	۰,۵۷
		۴۶	۰,۵۷

با به دست آوردن روایی صوری و محتوایی و حذف سؤالات نامربوط در نهایت ۴۶ سؤال برای تحلیل نهایی به دست آمد. در مرحله دوم به‌منظور استخراج عوامل مورد انتظار مبتنی بر تئوری انتخاب، ۱۶۰ تن از والدین دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه پژوهش پاسخ دادند. در این مرحله از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. هدف اساسی استفاده از تحلیل عاملی، تعیین همبستگی میان گویه‌ها و حاصل اشتراک آنها در یک عامل است. طبق نظر کلاین (۲۰۰۱) در تحلیل عاملی اکتشافی در پی یافتن پاسخ به این سؤال هستیم که محتوای پرسشنامه پژوهشگرساخته از چه عامل یا عواملی اشباع‌شده است و می‌توان از آن برای کاهش تعداد متغیرها استفاده کرد. پیش از تحلیل عاملی، لازم است مفروضه‌های زیر رعایت شوند:

۱. مقدار شاخص کفایت نمونه‌برداری(KMO) باید بزرگتر از ۰/۶ باشد.

۲. اطمینان از این موضوع که ماتریس همبستگی زیربنای تحلیل عاملی در جامعه برابر با صفر نیست و به‌منظور بررسی آن از آزمون کرویت بارتلت استفاده می‌شود.

1. Nagging
2. Threatening
3. Punishing
4. Bribing or rewarding to control

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۳. بارعاملی هر سؤال در ماتریس عاملی و چرخش یافته دستکم باید ۰/۳ و ترجیحاً بیش از آن باشد(کلاین، ۲۰۰۱، ترجمه صدرالسادات و مینایی، ۱۳۹۳).

در مرحله سوم، پس از انجام دادن تحلیل عاملی اکتشافی و شناسایی سؤالات نامناسب و حذف آنها و همچنین تعیین عاملهای تشکیل‌دهنده پرسشنامه، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، ساختار عاملی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله، پرسشنامه به ۲۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان پژوهش داده شد. پرسشنامه محقق‌ساخته سبک فرزندپروری آموزشی والدین مبتنی بر تئوری انتخاب گلاسر بر حسب مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌شود که از ۰ تا ۴ (هرگز، ۰ و همیشه، ۴) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دو خرده مقیاس دارد که عبارت اند از:

خرده مقیاس	سؤالات مربوطه
سبک سازنده	سؤالات ۱ تا ۲۳
سبک مخرب	سؤالات ۲۴ تا ۴۶

با جمع نمرات، دو نمره مجزا در مورد سبک سازنده و سبک مخرب برای هر آزمودنی به‌دست می‌آید. بالاترین نمره در هر یک از دو خرده مقیاس ۹۲ و پایین‌ترین نمره صفر است. بالاترین نمره در هر یک از زیرمقیاسها نشانگر سبک فرزندپروری آموزشی والدین آزمودنی است. نمره بالاتر در هر خرده‌مقیاس به معنای گرایش بیشتر والدین به آن شیوه فرزندپروری است. روایی محتوایی این پرسشنامه از طریق روش لاوشه (روایی مصححان) به دست آمد. شمار متخصصان برای تعیین روایی محتوایی پرسشنامه ۱۴ نفر بودند. سؤالاتی که ضریب CVR آنها کمتر ۰/۵۱ بود، بر اساس جدول لاوشه (۱۹۷۵) حذف شد و تعداد گویه‌های باقی‌مانده ۴۶ گویه بود. این گویه‌ها وارد محاسبات روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی شد که نتایج آن در بخش یافته‌ها توضیح داده خواهد شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج آن نیز در بخش نتایج ارائه خواهد شد.

یافته‌ها

جدول ۳، مقدار KMO و نتیجه آزمون کرویت بارتلت را نشان می‌دهد که برای تعیین شاخص کفایت نمونه‌برداری به کار می‌رود.

جدول ۳ : مقدارKMO و نتیجه آزمون کرویت بارتلت

معیار کفایت نمونه KMO	خی دو	درجه آزادی	معناداری
۰/۸۳۸	۴۲۲۴/۶۱۲	۱۰۳۵	۰/۰۰۱

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

با توجه به جدول۳، اندازه آزمون KMO برابر با ۰/۸۳۸ است که بالاتر از مقدار ۰/۶ است که نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی کفایت لازم را دارد، یعنی ماتریس همبستگی دارای همبستگی مثبتی میان حداقل برخی از سؤالات بوده و منعکس‌کننده کافی بودن نمونه برای انجام دادن تحلیل عاملی است. آزمون کرویت بارتلت به‌منظور آزمون این فرضیه که ماتریس همبستگی یک ماتریس واحدی است به‌کار می‌رود. چون سطح معناداری مربوط به آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین واحد بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود و می‌توان از تحلیل عاملی بدون خدشه وارد شدن به مفروضه‌های اساسی آن استفاده کرد. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که نمونه ۱۶۰ نفری استخراج‌شده از جامعه آماری موردنظر برای اجرای روش تحلیل عاملی کافی بوده است و فرضیه صفر آزمون کرویت بارتلت مبنی بر ناهمبسته بودن سؤالات پرسشنامه پذیرفته نمی‌شود. بنابراین روش تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی سؤالات پرسشنامه بلامانع و توجیه‌پذیر است. درعین‌حال اجرای تحلیل عاملی شرط دیگری نیز دارد و آن بررسی میزان اشتراکات هر کدام از سؤالات با کل پرسشنامه است. در مواقعی که میزان استخراج عوامل در روند اشتراکات[1] بالاتر از ۰/۳۰ شود، می‌توان بر تجانس درونی متغیرها یا سازه‌های بنیادی ابزار اندازه‌گیری تأکید داشت. میزان اشتراکات برای هر مؤلفه محاسبه‌شده است که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴ : میزان اشتراک هر کدام از گویه ها با کل پرسشنامه

گویه ها	اشتراک	گویه ها	اشتراک	گویه ها	اشتراک	گویه ها	اشتراک	گویه ها	اشتراک
۱	۰.۱۸۴	۱۱	۰.۳۱۲	۲۱	۰.۴۰۳	۳۱	۰.۲۴۹	۴۱	۰.۲۵۵
۲	۰.۳۲۶	۱۲	۰.۴۰۷	۲۲	۰.۳۰۴	۳۲	۰.۴۵۴	۴۲	۰.۱۴۴
۳	۰.۳۳۲	۱۳	۰.۲۷۴	۲۳	۰.۳۱۱	۳۳	۰.۱۵۷	۴۳	۰.۱۹۶
۴	۰.۲۱۰	۱۴	۰.۲۱۱	۲۴	۰.۴۶۱	۳۴	۰.۴۴۵	۴۴	۰.۲۳۹
۵	۰.۲۴۳	۱۵	۰.۱۹۰	۲۵	۰.۴۵۸	۳۵	۰.۶۴۷	۴۵	۰.۴۲۴
۶	۰.۳۵۹	۱۶	۰.۴۱۴	۲۶	۰.۵۳۳	۳۶	۰.۵۷۴	۴۶	۰.۴۸۳
۷	۰.۳۶۲	۱۷	۰.۲۲۹	۲۷	۰.۵۳۹	۳۷	۰.۵۲۵		
۸	۰.۴۹۳	۱۸	۰.۳۷۴	۲۸	۰.۳۱۰	۳۸	۰.۴۵۸		

1. Communalities

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۹	۰.۴۶۸	۱۹	۰.۴۴۸	۲۹	۰.۲۲۴	۳۹	۰.۳۳۷		
۱۰	۰.۵۳۵	۲۰	۰.۴۷۳	۳۰	۰.۵۰۱	۴۰	۰.۲۵۳		

به‌طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقادیر مرتبط با همبستگی اکثر سؤالات با کل آزمون در راستای تحلیل مؤلفه‌های اصلی بالاتر از ۰/۳۰ قرار دارند که نشان از همبستگی بالای میان مؤلفه‌ها با کل آزمون و مناسب بودن آن برای تحلیل عاملی است. دومین مرحله از تحلیل عاملی مربوط به استخراج عوامل اولیه است. به‌منظور تعیین این‌که آزمون محقق‌ساخته از چه عواملی تشکیل‌شده است، ابتدا عوامل اولیه پرسشنامه استخراج می‌شود. برای استخراج عاملها از ماتریس همبستگی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شده، زیرا هدف تبیین کل واریانس ماتریس همبستگی بوده است. همچنین برای تعیین اینکه چند عامل مناسب برای چرخش وجود دارد، ملاک کیزر[1] و آزمون اسکری[2] کتل مورد بررسی قرار گرفت. یادآور می‌شود که در مجموع در تحلیل عاملی صرفاً عاملهایی استخراج می‌شوند که بیشترین میزان واریانس را تبیین کنند. اولین مؤلفه اصلی بیشترین مقدار واریانس را تبیین می‌کند و مؤلفه‌های دیگر به ترتیب اهمیت یعنی برپایه مقدار واریانسی که تبیین می‌کنند، استخراج می‌شوند. در عمل می‌توان عاملهایی را که ارزش ویژه (مجموع مجذورات بار عاملی هر عامل) آنها کمتر از یک است، حذف کرد، هرچند استخراج عاملها تنها بر اساس ملاک ارزشهای ویژه بزرگ‌تر از یک انجام نمی‌گیرد. هرچه مقدار ارزش ویژه یک عامل بزرگ‌تر باشد، آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می‌کند. جدول ۵ وضعیت عاملهای استخراج‌شده را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه سؤالات پرسشنامه سبکهای فرزندپروری آموزشی گلاسر بر مبنای دو عامل سبک سازنده و سبک مخرب طراحی‌شده‌اند، تحلیل عاملی اکتشافی با محدود کردن سؤالات به دو عامل انجام شده است.

جدول ۵ : ارزشهای ویژه و مجموع مجذور بارهای عاملی استخراج‌شده پیش و پس از چرخش واریماکس

مؤلفه‌ها	ارزشهای ویژه اولیه			مجموع مجذور بارهای عاملی			مجموع مجذور بارهای عاملی چرخش یافته		
	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۱۰.۶۷۴	۲۳.۲۰۴	۲۳.۲۰۴	۱۰.۶۷۴	۲۳.۲۰۴	۲۳.۲۰۴	۹.۳۴۳	۲۰.۳۱۰	۲۰.۳۱۰
۲	۶.۰۵۲	۱۳.۱۵۶	۳۶.۳۶۰	۶.۰۵۲	۱۳.۱۵۶	۳۶.۳۶۰	۷.۳۸۳	۱۶.۰۴۹	۳۶.۳۶۰

1. Kaiser test
2. Scree test

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

در جدول ۵ مقادیر ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده از طریق هر یک از عوامل پیش و پس از چرخش نشان داده‌شده است. اولین مؤلفه اصلی دارای بیشترین مقدار ارزش ویژه است و بیشترین مقدار واریانس را تبیین می‌کند و مؤلفه‌های دیگر به ترتیب اهمیت یعنی بر پایه مقدار واریانسی که تبیین می‌کنند، استخراج می‌شوند. همچنین ارزشهای ویژه و درصد واریانس تبیین شده از طریق عاملها پس از چرخش عاملها نشان داده‌شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود پس از چرخش مقادیر ارزشهای ویژه و درصد واریانس تبیین شده از طریق هر عامل به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود. در مجموع ۲ عامل قادر به تبیین ۳۶/۳۶ درصد از واریانس سؤالات هستند.

علاوه بر ملاک ارزشهای ویژه بزرگ‌تر از یک، برای استخراج عاملها از منحنی اسکری نیز استفاده شده است. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، یک عامل بسیار مهم مشخص شده است که سهم بیشتری در واریانس کل گویه‌های پرسشنامه دارد.

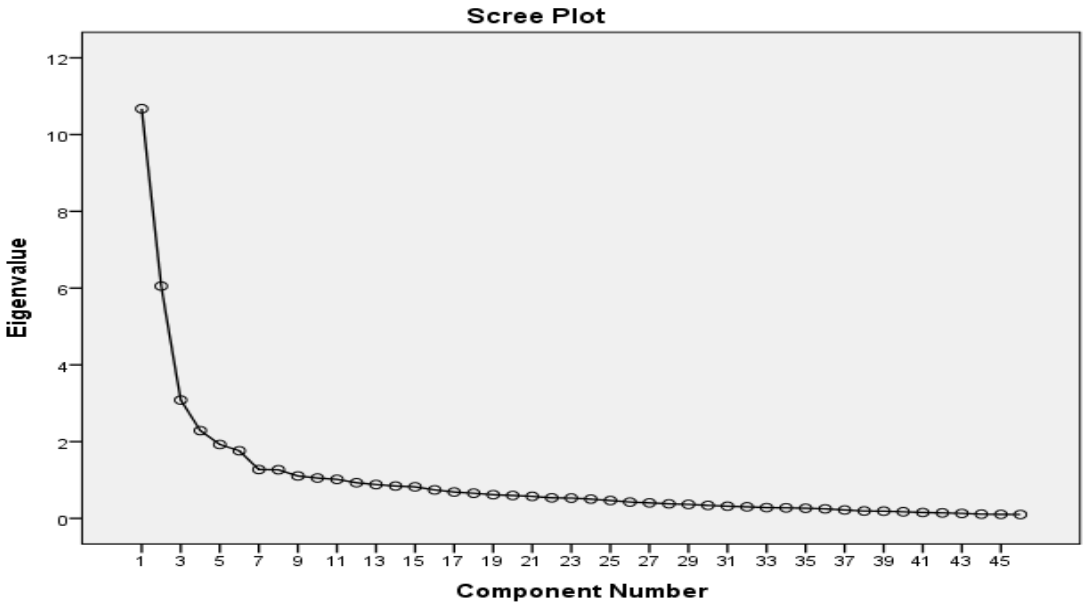

شکل ۱: منحنی scree plot به‌منظور نشان دادن تعداد عاملها

در جدول۶ ماتریس مؤلفه‌های چرخش نیافته نشان داده‌شده است. مقادیر موجود در آرایه‌ها همبستگیهای میان سؤالات و مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

جدول ۶: ماتریس مؤلفه‌های چرخش نیافته

گویه‌ها	عاملها	
	۱	۲
۱	۰/۳۹۶	۰/۱۶۳
۲	۰/۵۴۳	۰/۱۷۶
۳	۰/۵۵۳	۰/۱۶۱
۴	۰/۳۹۸	۰/۲۲۷
۵	۰/۴۲۶	۰/۲۴۷
۶	۰/۴۸۰	۰/۳۵۸
۷	۰/۵۴۶	۰/۲۵۴
۸	۰/۶۶۵	۰/۲۲۵
۹	۰/۶۴۸	۰/۲۱۸
۱۰	۰/۶۹۰	۰/۲۴۳
۱۱	۰/۵۰۲	۰/۲۴۴
۱۲	۰/۵۳۲	۰/۳۵۱
۱۳	۰/۴۸۶	۰/۱۹۴
۱۴	۰/۴۳۴	۰/۱۵۰
۱۵	۰/۳۷۲	-۰/۲۲۷
۱۶	۰/۶۳۰	۰/۱۳۰
۱۷	۰/۲۲۱	-۰/۴۲۴
۱۸	۰/۵۵۱	۰/۲۶۷
۱۹	۰/۶۰۲	۰/۲۹۲
۲۰	۰/۵۵۹	۰/۴۰۰
۲۱	۰/۵۵۵	۰/۳۰۸
۲۲	۰/۴۶۱	۰/۳۰۳
۲۳	۰/۳۵۵	۰/۴۳۰
۲۴	۰/۰۶۱	۰/۶۷۶
۲۵	-۰/۱۲۸	۰/۶۶۵
۲۶	-۰/۱۶۸	۰/۷۱۰
۲۷	-۰/۲۲۴	۰/۶۹۹
۲۸	-۰/۴۵۵	۰/۳۲۱
۲۹	-۰/۴۱۳	۰/۲۳۲
۳۰	-۰/۳۲۶	۰/۶۲۸
۳۱	-۰/۴۷۰	۰/۱۶۹
۳۲	-۰/۲۹۸	۰/۶۰۴
۳۳	-۰/۳۴۴	۰/۱۹۷

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۳۴	-۰/۴۰۰	۰/۵۳۳
۳۵	-۰/۵۹۴	۰/۵۴۲
۳۶	-۰/۶۲۳	۰/۴۳۱
۳۷	-۰/۶۶۶	۰/۲۸۴
۳۸	-۰/۶۴۴	۰/۲۰۶
۳۹	-۰/۵۵۷	۰/۱۶۶
۴۰	-۰/۴۷۴	-۰/۱۶۸
۴۱	-۰/۴۷۰	-۰/۱۸۴
۴۲	-۰/۳۷۷	-۰/۰۴۲
۴۳	-۰/۴۰۱	-۰/۱۸۸
۴۴	-۰/۳۱۹	۰/۳۷۰
۴۵	-۰/۵۱۱	۰/۴۰۳
۴۶	-۰/۵۸۸	۰/۳۷۰

در جدول ۷ ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته نشان داده‌شده است. سؤالاتی که دارای بارعاملی کوچک‌تر از ۰/۳۰ هستند از مجموع سؤالات آن مؤلفه حذف می‌شوند. در نهایت سؤالات شماره ۱۵ و ۱۷ از عامل سبک سازنده و سؤالات شماره ۴۰، ۴۱، ۴۲ و ۴۳ از عامل سبک مخرب، به دلیل داشتن بارهای عاملی کوچک‌تر از ۰/۳۰ نامناسب تشخیص داده‌شده و از مجموع سؤالات پرسشنامه حذف شدند.

جدول ۷ ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته به روش واریماکس

گویه ها	عاملها	
	۱	۲
۱	۰,۴۲۲	
۲	۰/۵۵۳	
۳	۰/۵۵۳	
۴	۰/۴۵۸	
۵	۰/۴۹۲	
۶	۰/۵۹۷	
۷	۰/۵۹۷	
۸	۰/۶۸۲	
۹	۰/۶۶۴	
۱۰	۰/۷۱۲	
۱۱	۰/۵۵۵	
۱۲	۰/۶۳۸	

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

۱۳	۰/۵۱۴	
۱۴	۰/۴۴۷	
۱۵	۰/۱۹۲	
۱۶	۰/۶۰۱	
۱۷	-۰/۰۴۱	
۱۸	۰/۶۰۸	
۱۹	۰/۶۶۵	
۲۰	۰/۶۸۶	
۲۱	۰/۶۳۴	
۲۲	۰/۵۵۱	
۲۳	۰/۵۳۰	
۲۴		۰/۵۳۷
۲۵		۰/۶۲۹
۲۶		۰/۶۹۰
۲۷		۰/۷۱۰
۲۸		۰/۵۱۵
۲۹		۰/۴۱۷
۳۰		۰/۷۰۵
۳۱		۰/۳۹۵
۳۲		۰/۶۷۰
۳۳		۰/۳۵۱
۳۴		۰/۶۶۵
۳۵		۰/۷۷۶
۳۶		۰/۶۹۸
۳۷		۰/۵۹۷
۳۸		۰/۵۲۰
۳۹		۰/۴۳۹
۴۰		۰/۱۱۳
۴۱		۰/۰۹۷
۴۲		۰/۱۶۷
۴۳		۰/۰۵۶
۴۴		۰/۴۸۳
۴۵		۰/۶۱۵
۴۶		۰/۶۲۸

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

پس از انجام دادن تحلیل عاملی اکتشافی و شناسایی سؤالات نامناسب و حذف آن، به منظور بررسی روایی همزمان رابطه میان سبکهای فرزندپروری بر پایه تئوری انتخاب گلاسر با هریک از سبکهای فرزندپروری بامریند(۱۹۷۳)، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون از این قرار است:

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده همبستگی میان سبک سازنده با سبک مقتدرانه برابر با ۰/۲۷۶ بوده و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p<۰/۰۱$). همبستگی میان سبک سازنده با سبک مستبدانه برابر با ۰/۱۴۲- بوده و در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است ($p<۰/۰۵$). همبستگی میان سبک سازنده با سبک سهل‌گیرانه معنادار نیست ($p>۰/۰۵$). همچنین، همبستگی میان سبک مخرب با سبک مقتدرانه برابر با ۰/۱۶۵- بوده و در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است ($p<۰/۰۵$). همبستگی میان سبک مخرب با سبک مستبدانه برابر با ۰/۵۱۴ بوده و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($p<۰/۰۱$). همبستگی میان سبک مخرب با سبک سهل‌گیرانه نیز معنادار نیست ($p>۰/۰۵$).

در ادامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی روی نمونه ۲۰۰ نفری، ساختار عاملی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۲ مدل اندازه‌گیری دو عاملی را براساس بارهای عاملی استاندارد نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

شکل ۲ : تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه سبکهای فرزند پروری آموزشی گلاسر در حالت ضرایب استاندارد
(بخش **a** مربوط به گویه‌های سبک سازنده و بخش **b** مربوط به گویه‌های سبک مخرب است .)

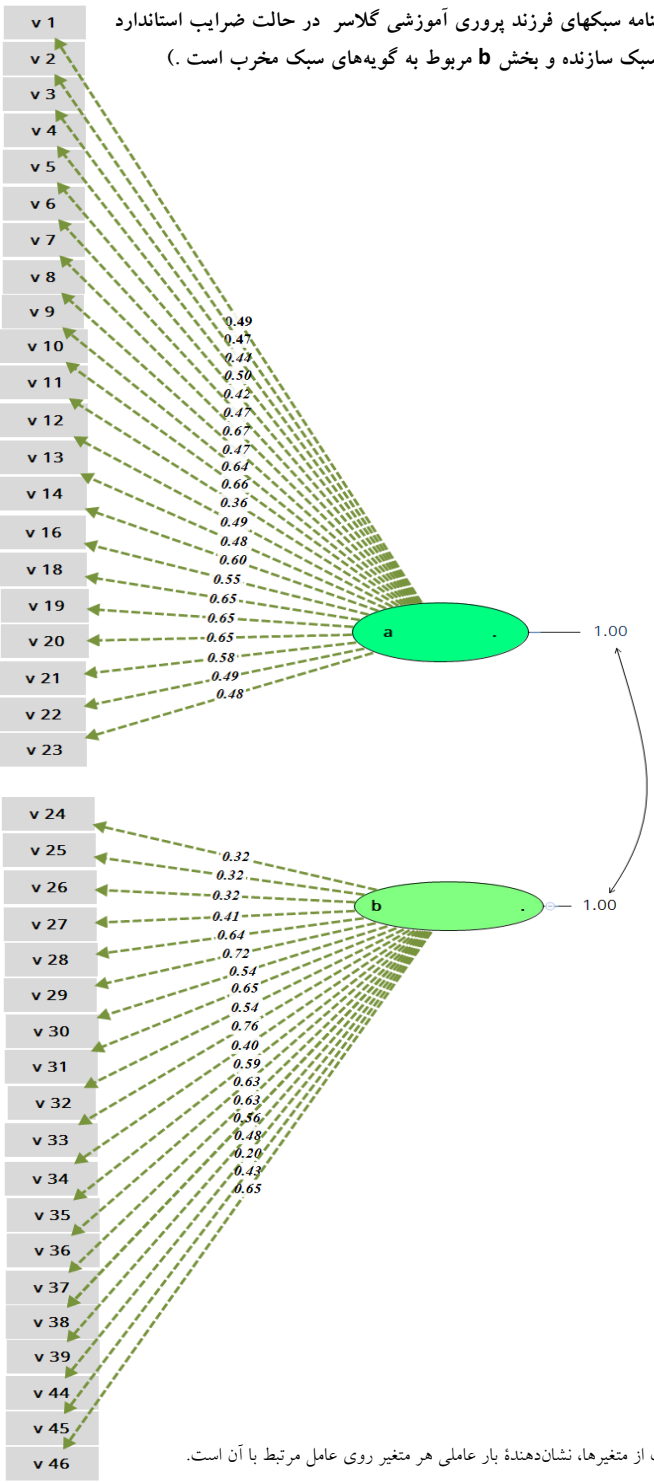

مقدار پارامتر برآورد شده برای هریک از متغیرها، نشان‌دهندهٔ بار عاملی هر متغیر روی عامل مرتبط با آن است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

شکل ۳ مدل تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه سبکهای فرزندپروری آموزشی گلاسر را در حالت ضرایب معناداری نمایش می‌دهد.

شکل ۳ : تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه سبکهای فرزندپروری آموزشی گلاسر در حالت ضرایب معناداری

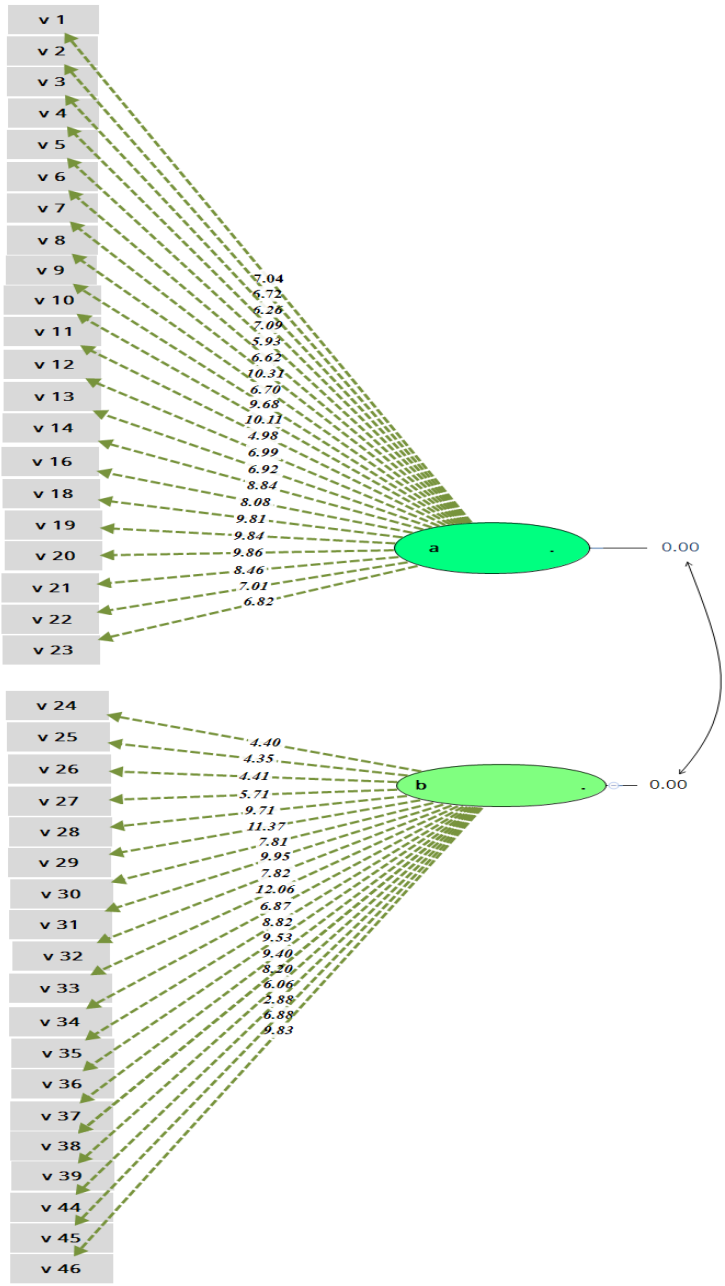

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

اعداد موجود روی مسیرها نشانگر مقدار t برای هر مسیر است. برای معنادار بودن بارهای عاملی لازم است تا مقدار t هر مسیر بالاتر از ۱/۹۶ شود. براساس نتایج به دست آمده کلیهٔ مقادیر t مربوط به پارامترهای مدل شامل بارهای عاملی و خطاهای استاندارد بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معنادارند.

در جدول شماره ۸ شاخصهای مربوط به تحلیل عاملی تأییدی مشاهده می شود.

جدول شماره ۸: شاخصهای برازش مدل عاملی

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
χ^2/df	≤۳	۲/۲۳	مناسب
IFI	>۰/۹	۰/۹	مناسب
RMSEA	<۰/۰۸	۰/۰۷۹	مناسب
CFI	>۰/۹	۰/۹	مناسب
SRMR	<۰/۱	۰/۱	مناسب

شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ۲/df) برازش مدل را تأیید می‌کند. χ۲/Df که این عدد کمتر از ۳ است و طبق جدول دامنه پذیرش شاخصهای برازندگی مدل شوماخر و لومکس(۲۰۰۵) به معنای برازش مدل با داده‌هاست. تقریب خطای ریشه مجذور میانگین (RMSEA) برابر ۰/۰۷۹ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر بوده و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) برابر با ۰/۱است که در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند و در نهایت شاخصهای IFI وCFI نیز از ملاک موردنظر (۰/۹) بزرگ‌ترند و برازنده بودن مدل را تأیید می‌کنند.

در جدول ۹ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیر سبکهای فرزندپروری آموزشی گلاسر، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخصهای میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است.

جدول ۹: اندازه های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد سبکهای فرزندپروری آموزشی گلاسر

	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
سبک سازنده	-۰/۷۳	۰/۲۹۳	۸۵/۲۵	۱۰/۳۱۵
سبک مخرب	۰/۲۱۳	-۰/۰۲	۵۵/۳۶	۱۲/۱۰۱

بر اساس اطلاعات به دست آمده میانگین سبک سازنده برابر با ۸۵/۲۵ و میانگین سبک مخرب برابر با ۵۵/۳۶ است. همچنین با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها میان ۲+ و ۲- است. داده‌ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بعد آموزشی در تربیت فرزندان، پژوهش حاضر با هدف ساخت و روایی آزمایی پرسشنامه‌ای برای سنجش سبک فرزندپروری آموزشی والدین بر پایهٔ تئوری انتخاب گلاسر انجام شده است. در این پژوهش در مجموع ۳۶۰ نفر از والدین دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران شرکت کردند که از این عده ۳۰۳ نفر والد مادر و ۵۷ نفر والد پدر بودند. این پژوهش در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل عوامل نشان داد که پرسشنامه «سبک فرزندپروری آموزشی والدین» مبتنی بر تئوری انتخاب گلاسر در نهایت از ۴۰ گویه تشکیل شده است. در مرحله گویه‌های ماتریس چرخش یافته به روش واریماکس، گویه‌های ۱۵ و ۱۷ از عامل سبک سازنده و گویه‌های ۴۰، ۴۱، ۴۲ و ۴۳ از عامل سبک مخرب به دلیل داشتن وزنهای مؤلفه‌ای کمتر از ۰/۳۰ نامناسب تشخیص داده‌شده و از مجموع سؤالات پرسشنامه حذف شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون اسکری نشان داد که پرسشنامه سبک فرزندپروری آموزش والدین از دو عامل اصلی «سبک سازنده» و «سبک مخرب» تشکیل شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی که روی ۲۰۰ نفر از والدین دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران انجام شده بود نیز حاکی از تأیید مدل عاملی پرسشنامه است، چرا که بر اساس نتایج به دست آمده کلیه مقادیر t مربوط به پارامترهای مدل شامل بارهای عاملی و خطاهای استاندارد بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معنادار است. شاخصهای برازش مدل عاملی نیز مورد تأیید قرار گرفتند. شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) کمتر از ۳ بود که به معنای برازش مدل با داده‌هاست، یعنی برازش مدل تأیید می‌شود. تقریب خطای ریشه مجذور میانگین (RMSEA) برابر ۰/۰۷۹ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر بوده و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) برابر با ۰/۱است که در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. درنهایت شاخصهای IFI و CFI نیز از ملاک موردنظر (۰/۹) بزرگ‌ترند و برازنده بودن مدل را تأیید می‌کنند. نتایج روایی همزمان نشان داد که سبک فرزندپروری سازنده بر پایه تئوری انتخاب با سبک مقتدرانه بامریند رابطه مستقیم و با سبک مستبدانه بامریند رابطه معکوس دارد. سبک فرزندپروری مخرب بر پایه تئوری انتخاب با سبک مستبدانه بامریند رابطه مستقیم و با سبک مقتدرانه رابطه معکوس دارد. سبک‌های سازنده و مخرب هیچ رابطه ای با سبک سهل‌گیرانه بامریند ندارند. نتایج مربوط به پایایی آزمون نیز نشان داد که خرده‌مقیاس سبک سازنده دارای پایایی ۰/۸۹ و خرده‌مقیاس سبک مخرب دارای پایایی ۰/۸۷ بود و پایایی کل ۰/۸۱ بود که نشان از پایایی مناسب

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

این پرسشنامه دارد. بررسی گویه‌های پرسشنامه پس از چرخش یافتن مؤلفه‌ها به روش واریماکس نشان داد که از گویه‌های مربوط به سبک سازنده، بیشترین ماتریس همبستگی مربوط به گویه ۱۰ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۷۱۲ است، سپس گویه ۲۰ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۶۸۶ و گویه ۸ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۶۸۲ قرار دارند. به نظر می‌رسد که از منظر پاسخ‌دهندگان به گویه‌های پرسشنامه، توجه به نظر متفاوت فرزند (گویه ۱۰)، گوش دادن به صحبتهای فرزند حتی هنگام مخالف بودن با او (گویه ۸) و همچنین گفتگوی دوستانه با فرزند (گویه ۱۸) از اهمیت بیشتری برخوردار است. بررسی گویه‌های پرسشنامه پس از چرخش مؤلفه‌ها به روش واریماکس برای گویه‌های مربوط به سبک مخرب نیز نشان می‌دهد که بیشترین ماتریس همبستگی مربوط به گویه ۳۵ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۷۷۶، گویه ۲۷ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۷۱۰ و گویه ۳۰ با وزن مؤلفه‌ای ۰/۷۰۵ است. گویه ۳۵ مربوط به غر و نق زدن به فرزند، گویه ۲۷ مربوط به انتقاد کردن از فرزند و گویه ۳۰ مربوط به شکایت و گله از فرزند است، یعنی این گویه‌ها بیشترین میزان همبستگی با سبک مخرب را دارند. نتایج این یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش محمدی و پیرخائفی (۱۳۹۳) همسوست. محمدی و پیرخائفی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به ساخت و روایی آزمایی مقیاس کیفیت روابط زناشویی بر پایهٔ تئوری انتخاب گلاسر پرداخته بودند که نتایج آن پژوهش نشان داد که مقیاس به دست آمده عوامل هفت عادت مخرب را شامل می‌شود که تئوری انتخاب گلاسر به آنها می‌پردازد. در این پژوهش نیز، مقیاس به دست آمده به سنجش عوامل مخرب در سبک فرزندپروری والدین می‌پردازد. همچنین می‌توان گفت که نتایج این پژوهش همسوست با نتایج پژوهش علیزاده و مه‌پویا (۱۳۹۶)، میسون و دوبا[1] (۲۰۱۱)، شیلینگ‌فورد و ادواردز[2] (۲۰۰۸) و لوید[3] (۲۰۰۵). علیزاده‌فرد و مه‌پویا (۱۳۹۶) بیان می‌کنند آموزش تئوری انتخاب منجر به بهبود راهبردهای شناختی یادگیری دانشجویان می‌شود و صاحبی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به گزارش اثربخشی تئوری انتخاب در مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی می‌پردازند که این عوامل به نظر می‌رسد همسو با عامل سبک سازنده پرسشنامه فرزندپروی آموزشی والدین مبتنی بر تئوری انتخاب است. همچنین حسینی، اسماعیلی و صاحبی (۲۰۱۷) گزارش می‌دهند که آموزش والدین مبتنی بر تئوری انتخاب بر حس خودکارآمدی مادران و حل تعارض آنها با دخترانشان کمک می‌کند. نتیجه این پژوهش همسو با یافته پژوهش حاضر است که به نقش تئوری انتخاب به‌منزلهٔ عامل سازنده در فرزندپروری آموزشی

1. Mason & Duba
2. Shillingford & Edwards
3. Loyd

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

والدین می‌پردازد. میسون و دوبا (۲۰۱۱) نیز بیان می‌کنند که می‌توان اصول تئوری انتخاب را در ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به کاربست. نتیجه این پژوهش همسو با یافته پژوهش حاضر است، چرا که پرسشنامه ساخت و روایی آزمایی شده در این پژوهش نیز به نقش سازنده اصول تئوری انتخاب در فرزندپروری آموزشی والدین اشاره می‌کند. لوید (۲۰۰۵) نیز به نقش مثبت اثر واقعیت درمانی و اصول تئوری انتخاب بر ادراک دانش‌آموزان دبیرستانی می‌پردازد که می‌تواند به‌منزلهٔ پشتوانه پژوهشی برای پرسشنامه به دست آمده در نظر گرفته شود. پژوهش شیلینگ‌فورد و ادواردز (۲۰۰۸) اگرچه مستقیماً به نقش اصول تئوری انتخاب در آموزش و یادگیری نمی‌پردازد، اما بیان می‌کند که تئوری انتخاب در کاهش عوارض و مشکلات روانی مؤثر است و باعث افزایش تاب‌آوری می‌شود.

برای بررسی پایایی پرسشنامه، روش بازآزمایی روشی مناسب‌تر است اما باتوجه به محدودیت زمانی امکان دو بار گردآوری داده‌ها در فاصله زمانی برای یک گروه میسر نبود. به منظور روایی آزمایی پرسشنامه از جامعه والدین منطقه ۶ استفاده شد و برای تعمیم نتایج در دیگر مناطق، مجدد باید روایی سازه بررسی شود.

با توجه به اینکه پرسشنامه‌ای در جهت سنجش سبک فرزندپروی آموزشی والدین مبتنی بر تئوری انتخاب گلاسر وجود ندارد، به نظر می‌رسد که این پرسشنامه می‌تواند ابزاری مناسب برای سنجش سبک فرزندپروری آموزشی والدین باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در کنار سایر پرسشنامه‌های تعیین و سنجش سبک فرزندپروری والدین که بیشتر بعد تربیتی را در نظر گرفته‌اند، از این پرسشنامه نیز استفاده شود تا میزان مخرب و سازنده بودن نوع سبک فرزندپروری آنها در بعد آموزشی مشخص شود. به نظر می‌رسد این پرسشنامه می‌تواند ابزاری مناسب در مدارس برای سنجش سبک فرزندپروری آموزشی والدین باشد. با استفاده از این پرسشنامه خود والدین و همچنین مدارس می‌توانند از میزان نقش آموزش در سبک فرزندپروری والدین آگاه شوند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

منابع

پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم و الهیاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۰ (۱۴)، ۱۱۵-۱۳۸.

ترکش‌دوز، شیرین و فرخزاد، پگاه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه اختلالات رفتاری کودکان با سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی. *فصلنامه سلامت اجتماعی*، ۴ (۲)، ۱۱۸-۱۲۶.

حبیبی، آرش و عدن‌ور، مریم. (۱۳۹۶). *مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسکریان، مهناز. (۱۳۸۹). *آزمونهای روان‌شناختی*. تهران: نشر ویرایش.

شفیع‌پور، سیده زهرا؛ شیخی، علی؛ میرزایی، مهشید و کاظم‌نژاد لیلی، احسان. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. *نشریه پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۲۵ (۷۶)، ۴۹-۵۶.

شکوهی‌یکتا، محسن؛ پرند، اکرم و فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. *نشریه تربیت اسلامی*، ۲ (۳)، ۱۱۵-۱۴۰.

صاحبی، علی؛ زالی‌زاده، محسن و زالی‌زاده، مسعود. (۱۳۹۴). تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی. *فصلنامه رویش روان‌شناسی*، ۴ (۲)، ۱۱۳-۱۳۴.

علیزاده‌فرد، سوسن و مه‌پویا، رضا. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش تئوری انتخاب بر راهبردهای شناختی یادگیری دانشجویان. *فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۴ (۲۷)، ۱۶۱-۱۸۰.

کلاین، پل. (۲۰۰۱). *راهنمای آسان تحلیل عاملی*، ترجمه سید جلال صدرالسادات و اصغر مینایی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات سمت.

گلاسر، ویلیام. (۱۹۷۵). *مدارس بدون شکست*، ترجمه ساده حمزه و مژده حمزه‌تبریزی (۱۳۸۲). تهران: انتشارات رشد.

_____. (۱۹۹۸). *مدرسه کیفی*، ترجمه آسیه شریعتمدار (۱۳۹۱). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

_____. (۱۹۹۹). *درآمدی بر روانشناسی امید تئوری انتخاب*، ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۷). تهران: انتشارات سایه سخن.

_____. (۲۰۰۱). *هر دانش‌آموزی می‌تواند موفق شود*، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۶). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

گلاسر، ویلیام و گلاسر، کارلین. (۱۹۹۸). *با من اینگونه سخن بگویید: زبان نظریه انتخاب*، ترجمه علی صاحبی (۱۳۹۰). تهران: سایه سخن.

محمدی، سحر و پیرخائفی، علیرضا. (۱۳۹۳). ساخت و اعتباریابی مقیاس کیفیت روابط زناشویی با تأکید بر تئوری انتخاب گلاسر. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۵(۱۸)، ۴۵-۷۶.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

مرادیان مینا، فاطمه (۱۳۹۳). *رابطه سبک زندگی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با پایستگی تحصیلی و عوامل انگیزشی (خودکارآمدی، اهداف تسلط، و ادراک سودمندی تکلیف) فرزندان دانش‌آموز آنان در شهر قدس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش. (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. *نشریه پژوهش دینی*، (۲۲)، ۳۳-۶۴.

همتی علمدارلو، قربان؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ ارجمندی، محمدصادق؛ تیموری آسفیچی، محمدمهدی و طاهر، محبوبه. (۱۳۹۳). نقش سبک فرزندپروری مادران در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی با کم‌توان ذهنی. *تعلیم و تربیت استثنائی*، ۱۴(۳)، ۷-۱۶.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, *11*(1), 56-95.

Bowlby, J. (2008). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. Basic books.

Glasser, W. (1999). *Choice theory: A new psychology of personal freedom*. HarperPerennial.

Hosseini, M. S., Esmaeili, A., & Sahebi, A. (2017). Parent training based on the choice theory: Analysis of its impact on mothers' sense of self-efficacy and their conflicts with their daughters. *Razavi International Journal of Medicine*, 5(3), e13929.

Jarvis, P. (2004). *Adult education and lifelong learning: Theory and practice*. Routledge.

Kreps, D. (2018). *Notes on the theory of choice*. Routledge.

Lomanowska, A. M., Boivin, M., Hertzman, C., & Fleming, A. S. (2017). Parenting begets parenting: A neurobiological perspective on early adversity and the transmission of parenting styles across generations. *Neuroscience*, *342*, 120-139.

Loyd, B. D. (2005). The effects of reality therapy/choice theory principles on high school students' perception of needs satisfaction and behavioral change. *International Journal of Reality Therapy*, *25*(1), 5-9.

Mason, C. P., & Duba, J. D. (2011). Using choice theory principles and the Choice Theory Career Rating Scale to enhance academic achievement for minority youth. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy*, *30*(2), 61-72.

Pinquart, M. (2016). Associations of parenting styles and dimensions with academic achievement in children and adolescents: A meta-analysis. *Educational Psychology Review*, *28*(3), 475-493.

Reid, M. J., Webster-Stratton, C., & Baydar, N. (2004). Halting the development of conduct problems in Head Start children: The effects of parent training. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, *33*(2), 279-291.

Shillingford, M. A., & Edwards, O. W. (2008). Application of choice theory with a student whose parent is incarcerated: A qualitative case study. *International Journal of Reality Therapy*, *28*(1), 41-44.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]

Tabachnick, B.G., & Fidell, L.S. (2012) *Using multivariate statistics* (6th ed.). Boston: Pearson Education.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.6.0]